

رهایی از تباهی و فساد و مظاهر فرهنگ غرب*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

محیط پیرامونی، به‌ویژه فضای فرهنگی و زیست‌گاه انسان، نقش برجسته‌ای در اصلاح و یا انحراف افراد جامعه دارد. بر اثر اختلاف فرهنگ‌ها و ارتباط گسترده جوامع با دنیای غرب از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، فضای فرهنگی جامعه اسلامی آلوده شده است. تنها راه مبارزه با عناصر فرهنگی بیگانه و مصون ماندن از فرهنگ منحرف غربی، ترویج فرهنگ قرآن و معارف اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. وظیفه روحانیت، مبلغان دینی، رسانه‌های ارتباطی و به‌طورکلی مسئولان فرهنگ این است که با ترویج فرهنگ سالم و معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام، به احیای فضای فرهنگی در جامعه اسلامی همت گمارند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، فضای فرهنگی، مظاهر فرهنگ و تمدن غرب، فرجام شیعیان.

تأثیر می‌پذیرند. با توجه به این تأثیرگذاری است که ما گاهی می‌بینیم در محله یا روستایی، فضای فرهنگی ویژه‌ای وجود دارد و فرهنگ آن محیط کوچک با محیط‌های هم‌جوار متفاوت است. برای مثال، گاهی در بین روستاهای یک شهر به روستایی برمی‌خوریم که مردمش در قیاس با دیگر مردم از تقوا، دیانت و صفای بیشتری برخوردارند و زندگی بانشاط‌تر و شیرین‌تری دارند. پس از بررسی درمی‌یابیم که در آن روستا عالم صالحی زندگی می‌کرده و آثار و برکات وجود آن عالم، سالیانی طولانی فضای فرهنگی آن روستا را از فساد و انحراف حفظ کرده است.

بر اثر اختلاط و ارتباطات گسترده جامعه ما با دنیای غرب و نیز امواج رادیویی، ماهواره‌ای، اینترنت و دیگر رسانه‌ها، سموم نابودگر فرهنگ غربی به فضای فرهنگی جامعه ما راه یافته است. ما باید بکوشیم که فضای فرهنگی مان را از فضای فرهنگ غرب مستقل سازیم تا از آن تأثیر نپذیرد. چنان‌که در هوای آلوده و آمیخته با مواد سمی، تنها راه سالم‌سازی هوا وارد کردن اکسیژن پاک به هواست، تنها راه مبارزه با سموم فرهنگ بیگانه وارد ساختن امواج معنوی فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام به محیط فرهنگی است. با کمال تأسف حتی محیط فکری و فرهنگی روحانیت ما از آثار سوء فرهنگ منحرف جهانی مصون نمانده و به آرامی و بی‌سروصدا، به گونه‌ای که کمتر کسی متوجه می‌شود، از امواج مسموم و زهرآگین آن تأثیر می‌پذیرد. اگر کسی بدون جانب‌داری و فارغ از تعلقات، وضعیت کنونی محیط فرهنگی خود را با گذشته مقایسه کند، درمی‌یابد که این فضا به انحراف کشیده شده است و اگر این روند ادامه یابد، نسل آینده بکلی فاسد می‌شود. ما باید عناصر فرهنگی سالم را شناسایی و احیا کنیم و به فضای فکری و فرهنگی جامعه خود وارد سازیم.

از این رو، ما بر آن شدیم روایات اهل بیت علیهم‌السلام را که

با توجه به اینکه فضای فرهنگی جامعه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری روحیه و رفتار افراد و سرانجام، سعادت و شقاوت آنان دارد، باید بکوشیم این فضا را به فضای فرهنگی زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام نزدیک سازیم. درحقیقت، فضای فرهنگی مثل هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. چنان‌که بدن ما با هوا و اتمسفر زمین تعامل دارد، ما نیز با فضای فرهنگی پیرامون خود تعامل داریم و از آن اثر می‌پذیریم و بر آن تأثیر می‌گذاریم. ما برای تداوم زندگی خود اکسیژن هوا را دریافت می‌کنیم. حال اگر هوایی که ما تنفس می‌کنیم اکسیژن کافی نداشته باشد یا به مواد سمی آلوده باشد، استنشاق آن هوای آلوده موجب بیماری یا مرگ ما می‌شود. این هوا را خداوند آفریده و ما نقشی در پیدایش آن نداشته‌ایم، اما چگونگی استفاده از آن و پاک نگه داشتن یا آلوده ساختنش در دست ماست. همچنین روح ما در فضایی فرهنگی متناسب با روح رشد می‌کند. آن فضای فرهنگی خاستگاه روح ادراکات ماست که به وسیله حواس ظاهری یا حواس باطنی پدید می‌آیند. این فضای فرهنگی که در محیط فکری ما وجود دارد، در اصل پاک و عاری از آلودگی است؛ چون آفریده خدا و متناسب با فطرت ماست. اما این فضای پاک فکری به دست انسان‌های فاسد و افکار و اندیشه‌های فاسدشان آلوده می‌شود. نسلی که در این فضای فاسد فرهنگی رشد می‌کند، با نسلی که در فضایی پاک و نورانی می‌بالد، بسیار متفاوت خواهد بود: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم: ۴۱)؛ تباهی در خشکی و دریا، به سبب آنچه دست‌های مردم کرده، پدید آمد تا [خدا جزای] برخی از آنچه را کرده‌اند به آنها بچشاند؛ باشد که بازگردند.

مراتبی از زمینه‌های پیشرفت یا سقوط انسان در فضای فرهنگی حاکم بر محیط رقم می‌خورد و انسان‌ها از این فضا

مراتب کیفر شیعیان و فرجام نهایی آنها

در یکی از آن روایات، امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله در ستایش شیعیان چنین فرموده‌اند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِتَّقُوا اللَّهَ مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَنْ تَفُوتَكُمْ وَإِنْ أَبْطَأَتْ بِهَا عَنْكُمْ فَبَأْنِحْ أَعْمَالِكُمْ فَتَنَافَسُوا فِي دَرَجَاتِهَا»؛ ای گروه شیعیان، از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید. بهشت از دست شما نمی‌رود، اگرچه گناهانتان موجب شود که شما دیرتر وارد آن شوید. اکنون برای به دست آوردن درجات بهشت باهم مسابقه دهید.

از این روایت و روایات دیگری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده و در آنها از ویژگی‌ها و صفات شیعیان سخن رفته، برداشت می‌شود که عنوان شیعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مطرح بوده است؛ زیرا در آن زمان، شماری همچون سلمان و ابوذر و مقداد به منزله شیعه امیرمؤمنان، علی علیه السلام شناخته می‌شده‌اند. از این روایت که در آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله شیعیان را به تقوا سفارش کرده‌اند، به دست می‌آید که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام هرگز از بهشت محروم نمی‌شوند. اگرچه گناهان آنان موجب شود که دیرتر به بهشت وارد شوند، پس از آنکه کوتاهی‌هایشان جبران گردید و از آن گناهان پاک شدند، به بهشت می‌روند و تا ابد از نعمت‌های آن برخوردار می‌شوند. پس شیعیان باید قدر خود را بدانند و به خود بالند و به پاس چنین مقامی که خداوند به آنان بخشیده، از عصیان و مخالفت با خدا خودداری کنند و از یکدیگر برای رسیدن به درجات بهشت پیشی گیرند.

۱. کیفر در طبقه بالای جهنم

«قِيلَ فَهَلْ يَدْخُلُ جَهَنَّمَ أَحَدٌ مِنْ مُحِبِّكَ وَمُحِبِّي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: مَنْ قَدَّرَ نَفْسَهُ بِمُخَالَفَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَوَأَقَعَ الْمُحَرَّمَاتِ وَظَلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَخَالَفَ مَا رَسَمَا لَهُ مِنَ الشَّرْعِيَّاتِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَدِيراً طَفِيساً يَقُولُ مُحَمَّدٌ

دربدارنده عالی‌ترین آموزه‌های متعالی فرهنگی است، بررسی کرده، و عناصر و ویژگی‌های ساخت جامعه سالم فرهنگی را از آنها استخراج کنیم. در این رویکرد، ما روایاتی را می‌خوانیم که در آنها ائمه اطهار علیهم السلام شیعیان واقعی و انتظارات بحقشان را از شیعیان و پیروان خود به تصویر کشیده‌اند. بی‌تردید، خواندن و شنیدن این روایات بر انسان اثر می‌گذارد؛ چون شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها مهم‌ترین عوامل اثربخش بر اراده انسان و تغییر فرهنگ و ارائه شیوه‌های تربیتی‌اند. سرمایه‌گذاری‌های کلان کشورهای همچون آمریکا در ساخت و نمایش فیلم‌ها و تأسیس ایستگاه‌های رادیویی برای تبلیغ علیه نظام‌های مخالف و غیرهمسو با غرب، به جهت تأثیر فراوان دیدن فیلم و شنیدن اخبار جهت‌دار بر رفتار و روحیات انسان‌هاست.

اگر ما مدتی با افرادی زندگی کنیم، درمی‌یابیم که بر اثر هم‌نشینی با آنان و دیدن و شنیدن رفتارها و سخنانشان، در رفتار و روحیات ما تغییری محسوس حاصل شده است. پس نباید از تأثیر مثبت روایات غافل بود و باید اذعان داشت که شنیدن و خواندن آنها بر رفتار و روحیات ما تأثیر می‌گذارد. این روایات که مضامین برخی از آنها متواتر است، ما را با فضای فرهنگی زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام آشنا می‌سازد و با مطالعه آنها درمی‌یابیم که چه اندیشه‌ها، ارزش‌ها و روحیاتی بر آن زمان حاکم بوده است. بسیاری از این روایات که به تبیین ویژگی‌ها، فضایل شیعیان و تفاوت بین «شیعه» و «محب اهل بیت» پرداخته، در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام آمده‌اند. این روایات را مرحوم علامه مجلسی به نقل از آن تفسیر در کتاب *بحارالانوار*، در باب مربوط به ویژگی‌های شیعیان گرد آورده است. این روایات در تفسیر یادشده، به ترتیب از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، دیگر امامان و سرانجام از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده‌اند.

وَعَلَىٰ آلِهِ يَا فُلَانُ أَنْتَ قَدِرٌ طَفِيسٌ لَا تَصْلُحُ لِمُرَافَقَةِ الْأَخْيَارِ وَلَا لِمُعَانَقَةِ الْحُورِ الْحِسَانِ وَلَا لِلْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَلَا تَصِلُ إِلَىٰ هُنَاكَ إِلَّا بِأَنْ يَطَهَّرَ عَنْكَ مَا هَاهُنَا يَعْنِي مَا عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ فَيَدْخُلُ إِلَىٰ الطَّبَقِ الْأَعْلَىٰ مِنْ جَهَنَّمَ فَيَعَذَّبُ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِ»؛ [فردی] پرسید: آیا یکی از دوستان شما یا دوستان علی علیه السلام وارد جهنم خواهد شد؟ فرمود: هرکس نفس خود را به وسیله مخالفت با محمد و علی علیهما السلام کثیف و چرکین کند و در پی کارهای حرام برود و به مؤمنان ستم کند و با احکام شرعی ای که محمد و علی علیهما السلام برای او گفته‌اند مخالفت کند، روز قیامت گناهکار و آلوده، به محشر وارد می‌شود. محمد و علی علیهما السلام می‌گویند: ای فلانی، تو کثیف و آلوده‌ای و شایستگی هم‌نشینی با صالحان و نیکان را نداری و شایسته نیستی که با حوریان هم‌آغوش شوی و با فرشتگان مقرب هم‌نشین گردی. تو نمی‌توانی خود را به آنها نزدیک سازی، مگر آنکه از گناهان پاک شوی. آن‌گاه او را برای پاک شدن از گناهان، در طبقه نخست دوزخ جای می‌دهند و برای برخی از گناهان عذاب می‌شود.

پس از آنکه حضرت شیعیان را می‌ستایند، شخصی می‌پرسد: آیا دوستان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام به جهنم می‌روند؟ از این پرسش به دست می‌آید که در آن زمان هم کسانی شیعه را مساوی با دوست‌دار اهل‌بیت علیهم السلام می‌دانستند و از تفاوت میان شیعه و دوست‌دار اهل‌بیت علیهم السلام آگاه نبودند. حال آنکه بنابر روایات گوناگون، شیعه با محب متفاوت است و چنان نیست که هرکس محب اهل‌بیت علیهم السلام باشد، شیعه آنان نیز به‌شمار آید. به هر حال، حضرت در پاسخ آن شخص می‌فرمایند که برخی از دوستان ما نیز وارد دوزخ می‌شوند. کسی که با دستورهای دین و پیشوایان معصوم خود مخالفت کند و این‌گونه جان خود را آلوده سازد و به

مردم ستم روا دارد، روز قیامت آلوده وارد محشر می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام به این شخص که از دوستداران آنان به‌شمار می‌آید، می‌گویند: تو آلوده‌ای و شایستگی هم‌نشینی با نیکان و صالحان را نداری. تو شایسته نیستی که با حوریان بهشتی هم‌آغوش گردی و نیز شایستگی هم‌نشینی با فرشتگان مقرب خدا را نداری. تو به چنین مقام متعالی‌ای نخواهی رسید، مگر آنکه از آلودگی‌های گناهانت پاک گردی. آن‌گاه او را به طبقه بالای جهنم می‌برند که دوزخیان آن در قیاس با دیگر طبقه‌های جهنم، به‌ویژه پایین‌ترین طبقه و قعر جهنم که در آن شدیدترین عذاب‌ها را می‌بینند، کمتر عذاب می‌شوند. این طبقه، ویژه دوستان اهل‌بیت علیهم السلام است که از گناهان خویش در دنیا پاک نشده‌اند و در آن، چنان‌که طلا را در کوره ذوب می‌کنند تا ناخالصی‌هایش خارج شود، مدتی عذاب می‌شوند تا از گناهان و آلودگی‌ها پاک شوند. پس از آن به بهشت می‌روند.

۲. تطهیر در محشر

«وَمِنْهُمْ مَنْ تُصِيبُهُ الشَّدَائِدُ فِي الْمَحْشَرِ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِ ثُمَّ يَلْقَاهُ مِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَا مَنْ يَبْعَثُهُمُ إِلَيْهِ مَوَالِيهِ مِنْ خِيَارِ شِيعَتِهِمْ كَمَا يَلْقَى الطَّيْرُ الطَّيْرَ الْحَبَّ»؛ برخی از آنها به سبب بعضی گناهان خویش در محشر به سختی‌هایی گرفتار می‌شوند. سپس سروران و موالیان آنها برخی از بهترین شیعیان خود را سراغ آنان می‌فرستند و آن گرفتاران را، چنان‌که پرندۀ دانه را برمی‌چیند، از گوشه‌وکنار برمی‌چینند و به بهشت می‌برند.

برخی از مؤمنان گنهکار کيفرشان در حدی نیست که به جهنم بروند و در آتش بسوزند، بلکه در صحرائی محشر به سختی‌ها و گرفتاری‌هایی چون تشنگی و هول و هراس دچار می‌شوند. همین گرفتاری‌ها و سختی‌های

فَيَتَفَرَّقُونَ عَنْهُ فَيَطْهَرُونَ. فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ أَعْظَمَ وَأَكْثَرَ طَهَّرَ مِنْهَا بِشِدَائِدِ عَرَصَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِنْ كَانَتْ أَكْثَرَ وَأَعْظَمَ طَهَّرَ مِنْهَا فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ وَهَؤُلَاءِ أَشَدُّ مُجِيبًا عَذَابًا وَأَعْظَمُهُمْ ذُنُوبًا؛ برخی از آنها مرگش فرامی‌رسد درحالی‌که هنوز گناهانش باقی مانده است و با سختی جان‌کندن، از گناه پاک می‌گردد. اگر همچنان چیزی از گناه او باقی بماند، وقت مردن و جان دادن دچار پریشانی می‌شود؛ به گونه‌ای که اطرافیانش کم می‌شوند و از این جهت خوار جلوه می‌کند و این کفاره گناهش است. باز اگر چیزی از گناهش باقی ماند، مدتی کنار قبر معطل می‌ماند و دفن جنازه‌اش به تأخیر می‌افتد تا آنکه مردم پراکنده می‌شوند و این نیز سبب پاکی از گناه است. اگر گناهانش بیشتر و سنگین‌تر باشد، با سختی‌های عرصات روز قیامت از گناهان پاک می‌شود و اگر گناهانش بیشتر و سنگین‌تر باشد، در طبقه بالای دوزخ از گناهان خود پاک می‌شود، و این دسته از دوستان ما گناهانشان از دیگران بیشتر و عذابشان شدیدتر است.

در فراز پیشین از کسانی یاد شد که گناهانشان در دنیا با رنج بیماری‌ها و گرفتاری‌ها پاک می‌شود، در اینجا می‌افزاید: دسته دیگری از مؤمنان گنهکار، کسانی‌اند که تا دم‌مرگ، گناهانشان بخشوده نشده است و با سختی جان‌دادن، نگرانی‌ها و مشکلاتی که هنگام مرگ برایشان رخ می‌دهد، یا دچار شدن به بیماری‌ای که موجب متعفن شدن بدن آنان و در نتیجه تنفر نزدیکان و اطرافیان از آنها و خوار و بی‌مقدار شدنشان می‌گردد، از گناهانشان پاک می‌شوند. اما اگر باز بخشی از گناهانشان باقی مانده باشد، با تأخیر افتادن در تجهیز و دفنشان و پراکندگی مردم و نزدیکان هنگام خاک‌سپاری، از گناهانشان پاک می‌شوند. اگر در این مراحل نیز همه گناهانشان پاک نشد، هنگام رستاخیز به طبقه نخست دوزخ وارد می‌شوند و مدتی عذاب الهی را

محشر آلودگی‌ها و گناهان آنان را می‌زداید. پس از آنکه از آلودگی‌ها و گناهان پاک شدند، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دوستان خاص خود را می‌فرستند تا آنان را، چنان‌که مرغ دانه را از روی زمین برمی‌چیند، از گوشه و کنار محشر جمع کنند و از کيفر الهی نجات دهند و به بهشت ببرند.

۳. تطهیر در دنیا

«وَمِنْهُمْ مَنْ تَكُونُ ذُنُوبُهُ أَقَلَّ وَأَخَفَّ فَيَطْهَرُ بِالشَّدَائِدِ وَالنَّوَائِبِ مِنَ السَّلَاطِينِ وَغَيْرِهِمْ وَمِنَ الْأَقَاتِ فِي الْأَبْدَانِ فِي الدُّنْيَا لِيُدْلَى فِي قَبْرِهِ وَهُوَ طَاهِرٌ [مِنْ ذُنُوبِهِ]؛ برخی از مؤمنان کسانی‌اند که گناهانشان کمتر و سبک‌تر از آن دو دسته است، و آنها با سختی‌های دنیا و گرفتار شدن به ناملائمات حکومت‌ها و دیگران و بیماری‌های جسمی از گناه خود پاک می‌شوند، تا وقتی در قبر سرازیر می‌گردند، پاک باشند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: دسته سوم مؤمنان گنهکار، آنان‌اند که گناهان و آلودگی‌هایشان کمتر و سبک‌تر از دو دسته پیشین است و کيفر آنان به محشر وانهاده نمی‌شود. آنان در دنیا به وسیله سختی‌ها و تنگناها و محدودیت‌ها و رنج‌هایی که حاکمان و سلاطین به آنها وارد می‌سازند و نیز با دچار شدن به بیماری‌ها و کاستی‌ها کيفر می‌شوند. آنان با این سختی‌ها و گرفتاری‌ها از گناهان خویش پاک می‌شوند و وقتی در قبر سرازیر می‌شوند، گناهی برایشان باقی نمانده و به بهشت وارد می‌شوند.

۴. مراتب مختلف کيفر شیعیان

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَفْرُبُ مَوْتَهُ وَقَدْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ فَيَسْتَدُّ نَزْعَهُ وَيَكْفُرُ بِهِ عَنْهُ. فَإِنْ بَقِيَ شَيْءٌ وَقَوِيَتْ عَلَيْهِ يَكُونُ لَهُ بَطْنٌ أَوْ إِضْطِرَابٌ فِي يَوْمِ مَوْتِهِ فَيَقْلُ مَنْ بَحْضَرْتَهُ فَيُلْحِقُهُ بِهِ الدُّلُّ فَيَكْفُرُ عَنْهُ فَإِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ شَيْءٌ أَتَى بِهِ وَلَمَّا يَلْحَدُ وَيَوْضَعُ

می‌چشند تا از گناهانشان به‌طور کامل پاک گردند.

نکته شایان توجه این است که در پایان، رسول خدا ﷺ این مؤمنان گنهکار را از شیعیان خود به‌شمار نمی‌آوردند، بلکه آنها را از دوستان خود می‌خواندند: «لَيْسَ هَؤُلَاءِ يَسْمَوْنَ بِشِيعَتِنَا وَلَكِنَّهُمْ يَسْمَوْنَ بِمُحِبِّينَا وَالْمُؤَالِيْنَ لِأَوْلِيَانِنَا وَالْمُعَادِيْنَ لِأَعْدَائِنَا إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَنَا وَاتَّبَعَ آثَارَنَا وَاقْتَدَى بِأَعْمَالِنَا» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۰۵-۳۰۷)؛ اینها شیعیان ما نیستند، بلکه دوستان ما به‌شمار می‌آیند و با دوستان ما دوست و با دشمنان ما دشمن‌اند. شیعیان ما کسانی‌اند که از ما و از آثار و گفتارمان پیروی کنند و به کارهای ما اقتدا جویند.

در این روایت، تفاوت میان محب با شیعه اهل‌بیت علیهم‌السلام روشن شده است و کسانی که ادعا می‌کنند شیعه‌اند، اما از گناه و نافرمانی خدا نمی‌پرهیزند، شیعه به‌شمار نمی‌آیند. البته چون اهل‌بیت علیهم‌السلام و دوستان آنها را دوست دارند و با دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام دشمن‌اند، دوستان آنها به‌شمار می‌آیند. ایشان به‌یمن دوستی با اهل‌بیت علیهم‌السلام یا با سختی‌هایی که در دنیا می‌بینند، از گناهان خویش پاک می‌شوند یا مدتی در جهنم به‌سر می‌برند و با تحمل عذابی که در قیاس با عذاب کفار و دشمنان خدا ناچیز است، پاک می‌شوند و سپس شایستگی ورود به بهشت را می‌یابند. شیعیان واقعی کسانی‌اند که کاملاً پیرو اهل‌بیت علیهم‌السلام باشند و به سیره و روش آنان عمل کنند و گناهی از ایشان سر نزنند. طبیعی است وقتی شیعیان واقعی گناه مرتکب نمی‌شوند، چه در دنیا و چه در آخرت، کیفری نمی‌بینند.

معیار شیعه و پیرو اهل‌بیت علیهم‌السلام

«قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَلَا يَنْظُرُ إِلَيَّ حَرَمِ جَارِهِ فَإِنَّ أَمَكَنَهُ مَوَاقِعَهُ حَرَامٍ لَمْ يَزَعْ عَنْهُ. فَغَضِبَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ انْتُونِي بِهِ. فَقَالَ رَجُلٌ آخَرَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِكُمْ مِمَّنْ يَعْتَقِدُ مَوَالِيَتَكَ وَمُؤَالَاةَ عَلِيٍّ وَيَتَّبِرُ مِنْ أَعْدَائِكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُلْ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ كَذِبٌ، إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَنَا وَتَبِعَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَلَيْسَ هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي هَذَا الرَّجُلِ مِنْ أَعْمَالِنَا» (همان، ص ۳۰۷)؛ مردی در محضر مقدس رسول خدا ﷺ عرض کرد: «ای رسول خدا، فلانی به زن همسایه نگاه می‌کند و اگر حرام و گناهی برایش پیش آید، پرهیزی ندارد و مرتکب اعمال زشت می‌شود». رسول خدا ﷺ از این سخن برآشفت و فرمود: «او را نزد من بیاورید». مرد دیگری گفت: «ای رسول خدا، او از شیعیان شماست و از معتقدان به ولایت شما و علی علیهم‌السلام است و از دشمنان شما بیزار می‌جوید». رسول خدا ﷺ فرمود: «نگو او از شیعیان ماست؛ زیرا این سخن دروغ است. شیعیان ما کسانی‌اند که از ما پیروی کنند و از کردارمان تبعیت کنند و آنچه تو درباره این مرد گفتی از کردار ما نیست».

«وَقِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِنَّ فُلَانًا مُسْرِفٌ عَلَى نَفْسِهِ بِالذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ شِيعَتِكُمْ. فَقَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كَتَبْتُ عَلَيْكَ كَذِبَهُ أَوْ كَذِبَتَانِ، إِنْ كَانَ مُسْرِفًا بِالذُّنُوبِ عَلَى نَفْسِهِ يَجِبُنَا وَيَبْغِضُ أَعْدَاءَنَا فَهُوَ كَذِبَةٌ وَاحِدَةٌ هُوَ مِنْ مُحِبِّينَا لِأَنَّ شِيعَتَنَا وَإِنْ كَانَ يُوَالِي أَوْلِيَاءَنَا وَيَعَادِي أَعْدَاءَنَا وَلَيْسَ [هُوَ] بِمُسْرِفٍ عَلَى نَفْسِهِ [فِي الذُّنُوبِ] كَمَا ذَكَرْتَ فَهُوَ مِنْكَ كَذِبَةٌ لِأَنَّهُ لَا يَسْرِفُ فِي الذُّنُوبِ، وَإِنْ [لَا] يَسْرِفُ فِي الذُّنُوبِ وَلَا يُوَالِيْنَا وَلَا يَعَادِي أَعْدَاءَنَا فَهُوَ مِنْكَ كَذِبَتَانِ» (همان، ص ۳۰۷-۳۰۸)؛ شخصی به امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزگاران

و سرور دین و پیشوای سپیدچهرگان بهشت و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان عرض کرد: «فلانی با گناهان هلاکت‌بار بر خود ستم کرده و با این حال، از شیعیان

منبع

* این مقاله قلمی شده درس اخلاق علّامه مصباح برای طلاب علوم دینی در دفتر مقام معظم رهبری در قم می باشد.
امام حسن عسگری علیه السلام، تفسیر منسوب به امام حسن عسگری، ۱۴۰۹ق، قم، مدرسه امام المهدی علیه السلام.

شماست». حضرت فرمود: «برای تو با این سخن یک یا دو دروغ نوشته شد: اگر با ارتکاب گناهان بر خود ستم کرده، ولی ما را دوست می دارد و با دشمنان ما دشمن است، یک دروغ گفته ای؛ زیرا او از دوستان ماست، نه از شیعیان ما، و اگر دوستان ما را دوست دارد و با دشمنان ما دشمن است و چنان که تو گفתי گناه و ستم به نفس نمی کند، باز یک دروغ گفתי؛ چون او مرتکب گناه نمی شود و بر نفس خود ستم نمی کند، و مرتکب گناه نمی گردد و بر نفس خود ستم نمی کند و ما را دوست ندارد و با دشمنان ما دشمن نیست، پس تو دو دروغ گفتی».

وقتی آن شخص در محضر امیرمؤمنان علیه السلام درباره کسی سخن گفت که مرتکب گناهان کبیره و هلاک کننده می شود، ولی او را شیعه نامید، حضرت فرمودند که با این سخن یک یا دو دروغ گفته ای:

۱. اگر آن شخص گناهان کبیره مرتکب می شود، اما ما را دوست دارد و با دشمنانمان دشمن است، یک دروغ گفته ای؛ چون آن شخص شیعه نیست؛ چراکه شیعه پیرو خداوند و پیشوایان معصوم خویش است و مرتکب گناه کبیره نمی شود.

۲. اگر آن شخص به راستی ما و دوستان ما را دوست دارد و با دشمنان ما دشمن است و گناه کبیره نیز مرتکب نمی شود، یک دروغ گفته ای؛ چون تو نسبت ارتکاب گناه کبیره به او دادی، درحالی که او شیعه است و مرتکب گناه نمی شود.

۳. اگر آن شخص مرتکب گناه کبیره نمی شود، ولی ما را دوست ندارد و با دشمنان ما نیز دشمن نیست، دو دروغ گفته ای؛ چراکه به او ارتکاب گناه کبیره را نسبت داده ای؛ درحالی که وی گناه کبیره مرتکب نمی شود. همچنین ادعا کردی که ما را دوست دارد و با دشمنان ما دشمن است؛ درحالی که او از دشمنان ما نیست و با دشمنان ما نیز دشمنی ندارد.